جمع دو روایت

- اثبات شهر با رؤیت هلال در بلاد بعیده به جهت وجود گزینه ثبوتی متناسب با حفظ نظم و میقات در روایت یقطینی و عمل به وظیفه عملی در روایت ابن راشد
- فضای علمی کلاسیک وجه اعراض اصحاب از روایت یقطینی

اثبات شهر با رؤیت هلال در بلاد بعیده به جهت وجود گزینه ثبوتی متناسب با حفظ نظم و میقات در روایت یقطینی و عمل به وظیفه عملی در روایت ابن راشد

(45:58)

اتفاقا من جواب لطیف امام علیه‌السلام در روایت یقطینی را از همین باب میدانم. یعنی امام نفرمودند آن جا چه ربطی به تو دارد. کاری ندارشت که اینطور بگوینند. فرمودند با شک جلو نرو. یعنی ما میخواهیم کار یقینی باشد و میقاتیت برقرار باشد. یعنی اگر یک وقتی قرار شد که به‌طور قطع معلوم شود که امشب در اندلس هلال داریم من حرفی برای گفتن دارم. میگویند اگر شد بیا من توضیح میدهم. فعلاً «لاتصومن الشک». اما اگر کار دقیق شد و گفتیم یابن رسول الله دیگر شک رفت، الآن آن جا بالدقه هلال دارند ولی ما ندارید، جواب حضرت مجال گذاشته تا توضیح بدهند که ثبوتا چندین گزینه داریم برای اینکه تقویم کل کره را با برچسب زنی های در عرض هم نظم بدهیم. مرحوم مجلسی هم فرمودند که هر کدامش هم یک فوائدی دارد و یک مشکلاتی دارد. مشکلات یعنی دست و پا گیری ها.

شاگرد: شدت نهی در «لاتصومن» مانع از این حمل نیست؟

استاد: آنکه استصحاب است. یعنی اگر اماره معتبره ای قطع آمد، استصحاب کنار میرود. ولذا میگویند «صم للرویه». هیچ کسی ندیده ولی بعداً دو شاهد عادل از جای دیگر میآید و میگویند ما دیدیم. شارع میگوید من بینه را حجت قرار دادهام.

شاگرد۲: پس نهایتاً جمع بین دو روایت این شد که روایت ابوعلی راشد عرف عام را میگوید و روایت یقطینی آن فضای خاص را میگوید؟

استاد: جمع این شد که روایت یقطینی میگوید ما غیر از تأیید عرف عام در روایت ابن راشد -که امام فرمودند شما که ندیدید پنج شنبه اول ماه است- گزینه‌های دیگری هم ممکن است. آن گزینه‌ها

چطور است؟ یکی است؟ نه، یکی نیست. آن‌ها چندین گزینه هستند. یکی از آن‌ها رؤیت قبل از زوال است؛ مثل سید بحر العلوم که قبول کردند. البته مثل صاحب جواهر به سید بحر العلوم تند می‌شوند. ولی خدا می‌خواهد که مثل سید این فتوا را بدهند. یعنی چه؟ یعنی امام علیه‌السلام در فضای فقه گفته اند که فقط سراغ غروب نروید. ما به شما می‌گوییم که آن را امضاء کردیم ولی چیزهای دیگری هم هست. این خیلی مهم است.

فضای علمی کلاسیک وجه اعراض اصحاب از روایت یقطینی

(49:18)

اما نسبت به اعراض اصحاب؛ اگر اعراض اصحاب کاشف از تکذیب و عدم صدور حدیث است، تسلیم هستیم. اصحاب اعراض کرده اند یعنی صدور حدیث را تکذیب کرده‌اند. ما تسلیم هستیم. اصحاب اعراض کرده‌اند یعنی گفته اند جهت صدورش تقیه ای است، کاشفیت از تقیه دارد، اینجا هم تسلیم هستیم. ما اصلاً مشکلی نداریم. اعراض اصحاب از ادله رؤیت هلال اگر کاشف از تکذیب صدور است، یا کاشف از جهت صدور است، تسلیم هستیم. ولی فضا در این است که عمل اصحاب و اعراضشان بخاطر فضای بحث است. بر سر نظری است که مید‌یدند نمی‌شود. وقتی مشکل بحث و کلاسیک سبب اعراض اصحاب بشود اینکه مانعی نمی‌شود برای پیشرفت بحث. یعنی قبول دارند که روایت صادر شده است. قبول دارند که تقیه هم نبوده است. ولی می‌گویند نمی‌شود.

شاگرد: صاحب حدائق تقیه را مطرح می‌کنند.

استاد: بله آوردیم مفصل بحث کردیم. یکی از بحث‌هایی که برای خودم خاطره خوبی است، این است: صاحب کفایه، شیخ انصاری را رد کردند. شیخ گفتند بهترین دلیل استصحاب این است. صاحب کفایه گفتند هر کسی به روایات باب مراجعه کند می‌بیند که این جور نیست. ما هم گفتیم چشم، امر صاحب کفایه را امتثال کردیم و دیدیم اتفاقا حرف شیخ درست است. ایشان که می‌گویند هر کسی مراجعه کند می‌بیند، اگر به اندازه مباحثه ما مراجعه کرده بودند، این جور نمی گفتند. ما که از جیب‌مان در نیاوردیم. ایشان یقینی را طوری معنا کرده‌اند که تقریباً ظن قوی بود که خود ایشان آن وقت مراجعه نکرده بودند و همه روایات را مرور نکرده بودند. در حافظه ایشان تمرکز اصلی روی «صم للرویه و افطر للرویه» بود. درحالی‌که مقابل آن این همه روایات بود و همه آن‌ها را خواندیم و دیدیم اتفاقا حرف شیخ درست بود. اینها از خاطرات خوب برای خود من طلبه است. مباحثه سوم الشک بود. روزه گرفتن سوم الشک خیلی بحث های خوبی بود.

شاگرد۲: اگر منشأ اعراض معلوم نباشد چه می‌شود؟

استاد: اگر منشائش معلوم نباشد توقف می کنیم. ولی در مانحن فیه وقتی مراجعه می‌کنید می‌بینید که همه بحث‌ها و استظهارات عرفی است.